

## تأثیر اعتقادات کلامی خوارج بر گروه های تکفیری معاصر

نسرین علوی نیا

استاد دانشگاه آزاد اسلامی داراب، فارس، ایران

### چکیده

کاوش در مورد رویدادهای خشونت آمیز، به ویژه خشونت جمعی علی الخصوص در دنیای اسلام معاصر نشان می دهد که بخش قابل توجهی از این وقایع ناشی از اقدامات جریان تکفیر است. تکفیر بر اساس خاستگاه سیاسی دو گونه تکفیر رسمی و غیررسمی است. تکفیر رسمی هنگامی شکل می گیرد که حکومتی به رسمیت شناخته شده، در جهان اسلام علیه شخص یا بخشی از جامعه اسلامی ادعا و اعلام کفر کند، و تکفیر غیر رسمی هنگامی است که این اعلام کفر از جانب اشخاص یا گروه هایی غیر از حکومت رسمی شکل گیرد. رفتارشناسی سیاسی تکفیری ها بیانگر شباهت آنان با خوارج در تاریخ صدر اسلام و دوره ی امیرالمومنین (ع) و ادامه جریان خوارج تا دوره های بعدی است. تکفیری های معاصر همان ادامه و تکامل یافته خوارج صدر اسلام هستند. در این نوشتار کوشش شده است که تأثیر اندیشه ها و آموزه های خوارج بر گروه های تکفیری معاصر را مورد کاوش و پژوهش قرار دهد و همچنین میزان تأثیر آموزه های کلامی و رفتاری و منش اخلاقی خوارج بر گروه های تکفیری بررسی شود و این که آیا می توان گروه های تکفیری را خوارج جدید دانست یا خیر.

واژه های کلیدی: خوارج، نوخوارج، داعش، تکفیری ها، اسلام.

## مقدمه

استفاده ابزاری از گروه های تکفیری توسط قدرت ها و کشورهای سلطه گر، سبب رشد قارچ گونه ی این گروه ها شده است. اقدامات خشونت آمیز و کشتارهای شگفت انگیز و دسته جمعی آنان در فضای مجازی و غبارآلود این دوران، به سرعت رو به گسترش است و به شمار اخبار پر مراجعه کننده تبدیل شده است. همچنین خدشه دار کردن چهره رحمانی اسلام و کشتار پیروان ائمه (ع) و حق جوین جهان، اهمیت بررسی و پژوهش پیرامون این گروه ها را دو چندان کرده است.

بر اساس دیدگاه جامعه شناسانی، همچون امیل دورکیم، واقعیت اجتماعی، آن پدیده ای است که مانند یک نمود مستقل بیرونی بر جامعه نیرو وارد نماید. امروزه رخدادهایی همانند تعصب و تکفیر در جایگاه نموده های مستقل تئوریک، نه لزوما در قالب یک نیروی نظامی، بر افکار عمومی جهان اسلام نیروی منفی و تاثیر عملی ایجاد می کنند، بدیهی است که فهم عمیق این واقعیات بدون در نظر گرفتن تبار تاریخی و گونه شناسی آن ها دشوار خواهد بود. واژه تکفیر یک مفهوم آشنا در ادبیات سیاسی-مذهبی دنیای اسلام محسوب می شود در تاریخ اسلام برخی برای دستیابی به اهداف سیاسی، تکفیر رقبا و مخالفان را بنیان گذاری، ترویج و نهادینه کرده اند، که بعدها به صورت ایدئولوژی حاکمیت، و یا مرام گروه های مذهبی خود را نشان داده و هنوز جوامع اسلامی از تبعات آن رنج می برند تکفیر نه تنها در گذشته بلکه در عصر حاضر نیز موجب تفرقه و خشونت طائفی در جهان اسلام بوده و علاوه بر ویرانی های فراوان و نابودی استعدادها و امکانات مادی و معنوی امت اسلامی، بستر نفوذ دشمنان اسلام و سیطره آنان بر سرنوشت امت اسلامی به شمار می آید.

فرضیه پژوهش بر همین مبنا استوار است پدیده ی تکفیر هم در گذشته و هم در عصر حاضر در اندیشه و آموزه های خود و هم در اخلاق و هم در عمل وامدار خارجی گری صدر اسلام و وامدار خوارج صدر اسلام است. روش پژوهش در این نوشتار، مقایسه ای و مطالعه ی کتابخانه ای و پژوهش تاریخی است و کوشش بر آن است که از تاریخ و پژوهش های تاریخی برای فهم رفتار امروزی تکفیری ها، بهره گیری بهینه نماید.

الگوی نظری و تحلیلی این نوشتار بر اساس آموزه های اسلام است که بر سه قسم می باشد:

۱. اعتقادات (اعتقادات سیاسی): شباهت های اعتقادی کلامی خوارج و تکفیری ها

۲. اخلاق (اخلاق سیاسی): شباهت های اخلاقی خوارج و تکفیری ها

۳. احکام (رفتار سیاسی): شباهت های رفتاری و عملی خوارج و تکفیری ها

گرچه در حوزه ی عمل نمی توان این سه گونه را به طور کامل از هم جدا و انتزاعی فرض کرد اما برای بررسی آسان تر، در این نوشتار این سه حوزه به صورت جداگانه مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است.

## ۱. مفهوم شناسی

«تکفیر» (کافر خوانی) از «ک-ف-ر» به معنای نهان کردن و پوشاندن اقتباس شده است (ابن منظور، ۵: ۱۴۱۴/۱۴۶) و در اصطلاح به معنی نسبت دادن کفر به شخص یا گروه می باشد. طبق احکام اسلامی انسان با گفتن شهادتین و اعلام ورود به مکتب اسلام، مسلمان شمرده می شود و قرآن مجید به مسلمانان متذکر می شود که: «به آن کس که اظهار اسلام کند نسبت کفر مدهید». (نساء: ۹۴) پیامبر اکرم (ص) نیز از همان ابتدا پیروان خود را به شدت از تکفیر مسلمانان دیگر منع می کرد. (ابن قدامه المقدسی، ۹: ۲۰۱/۱۳۸۸) بنابراین در زمان رسول خدا (ص) پدیده ی تکفیر مسلمان توسط مسلمان دیگر به جز موارد محدود همچون قضیه ی قتل مرداس بن نهیک فدکی به دست اسامه بن زید (طبری، ۲: ۳۰۸/۱۳۸۷) و قتل عامربن اصبط

اشجعی توسط محلم بن جثامه به چشم نمی خورد که در این قضایا هم قرآن کریم به شدت آن را نهی و توبیخ نمود (نساء: ۹۴) همچنین پیامبر اکرم (ص) نیز در حق تکفیر کننده نفرین نمود (ابن هشام، ۱۳۸۵، ۶۲۷).

## ۲. پیشینه تکفیر در اسلام

پیشینه تکفیر در اسلام، به وقایع و رویدادهای پس از رحلت رسول اکرم (ص) بر می گردد درست زمانی که خلیفه ی اول علاوه بر مرتدان، هواداران جانشینی حضرت علی (ع) در خارج را خارج از دین خواند نظیر مالک بن نویره و قبیله ی بنی یربوع و با آنها معامله ی مرتدان و کافران نمود (طبری، ۳: ۱۳۸۷/۵۰).

سه دهه بعد نیز حضرت علی (ع) و پیروانش را، توسط عده ای که خوارج خوانده شدند، کافر خواندند (ابن جوزی، ۴۱۲: ۵: ۱۲۴-۱۲۵).

در ادوار تاریخی بعدی نیز برخی از زمامداران، جریانات و اشخاص از شیوه تکفیر برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرده و می کنند که این بهره گیری در دوره معاصر در جریان سیاسی-مذهبی سلفیه تکفیری آشکارا به چشم می خورد این در حالی است که اندیشه ی تکفیر در اسلام فاقد جایگاه است و متکلمان و فقهای شیعه و سنی بر این عقیده اند که کسی حق تکفیر اهل قبله را ندارد. (ابن ابی العز الحنفی، ۲۰۰۵: ۲۸۸ و ۴۲۶؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۶۰/۶).

در عصر حاضر اندیشه سیاسی مسلمانان در سطح کلان به سه جریان سنت گرایی دینی، نوگرایی دینی و تجدد گرایی دینی تقسیم شد. (علی یاری، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

اندیشه موسوم به سلفیه در جریان سنت گرایی دینی رشد کرد. اگرچه سلفی گری دارای طیف های مختلفی است ولی سلفی ها در اصالت روش نقلی و پرهیز از عقل گرایی و تاویل، اسلام گرایی افراطی، مبارزه مبتنی بر رفتارهای خشن و ضعف تفکر ایجابی اشتراک داشته و دارند. (فیرحی، ۱۳۹۲: ۴۲).

لذا معمول گروه های سلفی معاصر با برداشتی جزمی و به دوراز هرگونه اجتهاد عقلی از شریعت که متاثر از پیشینه ذهنی و ساختار روانی آنان است، درصدد واکنش نسبت به فرآیندهای ناشی از مدرنیته بر می آیند.

و بعضا با تفسیری رادیکال از گزاره های دینی، می کوشند اندیشه تکفیری و اعمال خشونت آمیز خود را توجیه نمایند ولی این تفسیر رادیکال آن ها از دین بیش از آن که در متن شریعت موجود باشد، ناشی از فضای روانی ملتهد و آشفتگی های مواجهه با دنیای مدرن است (همان). علاوه بر این نفوذ قدرت های خارجی در جریان سلفی معاصربه صورت آشکار و پنهان به چشم می خورد. (فیرحی، ۱۳۹۲: ۴۲).

سلفی های تکفیری کشتن مسلمانان را پس از آن که بخش گسترده ای از آنان را در جرگه کفر قرار دادند، فریضه و «جهاد» می نامند و برای این کار به هر ابزاری متوسل می شوند؛ ترور غیر نظامیان و افراد بی گناه را موجه می دانند و برای آن توجیهاات شرعی نظیر ترس می تراشند. (میرزایی، ۱۳۹۷: ۹)

بدین ترتیب برخلاف سادگی آموزه های جریان سلفی، ترکیب شدن این آموزه ها با مکانیسم ها و زمینه های اجتماعی و سیاسی جهان امروز، و استفاده ابزاری از آن ها توسط قدرت های جهانی و منطقه ای، جریان سلفی تکفیری را در چند دهه اخیر به شدت به سمت تندروی علیه مسلمانان غیر سلفی خصوصا شیعیان سوق داده است. (فیرحی، ۱۳۸۷: ۷۸).

لازم به یادآوری است که گرچه، تکفیری های معاصر تاثیراتی از سلفی گری کهن و آموزه های آن ها پذیرفته اند، اما به نظر می رسد که آموزه های کلامی و اندیشه های خوارج صدراسلام، تاثیرات بسیاری برافکار، رفتار و منش های اخلاقی تکفیرو گروه های تکفیری گذاشته است و این نوشتار در پی بررسی این فرضیه است.

### ۳- شباهت های اعتقادی خوارج و نو خوارجیون (تکفیری ها)

#### ۳-۱- تنگ نظری در تعریف ایمان و توحید و مشرک دانستن و تکفیردیگران

خوارج در تعریف ایمان و توحید، سخت گیری ها و معیارهایی را طرح می کردند که به ندرت افراد می توانستند آن را کسب کنند. در تعاملات ارکان اعتقادات و رفتارها، آنان رفتارهای گناه آلود را دارای تاثیراتی در محرومیت اعتقادی می دانستند. به باور آنان شخص مومن با ارتکاب معصیت در رفتار، از دایره ی ایمان خارج و به دایره کفر وارد می شود. در حالی که مُرجئه یا اباحه گرایان امروزی آنان را همچنان مومن و شیعیان و معتزله، فرد معصیت کار را همچنان در دایره ی اسلام اما «فاسق» می دانستند. این نکته در مورد تکفیری های امروزی نیز مشاهده می شود. آنک نیز در خصوص اسلام، دیگر مسلمانان و افراد اقرارکننده به شهادتین را که با آنان دارای اختلاف نظر در فروع است، قبول ندارند و آنان را تکفیر می کنند و از دایره ی ایمان خارج و در منطقه ی کفر قرار می دهند. در حالی که در قرآن کریم تکفیر مسلمانان به بهانه ی مختلف سیاسی با خود مذمت شده است.

«یا ایها الذین آمنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبیتوا و لا تقولوا لمن القی الیکم السلام لست مومنأ» (نساء: ۹۴).

«ای کسانی که ایمان آورده اید چون در راه خدا سفر می کنید تحقیق کنید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می کند نگوید تو مومن نیستی».

در سیره ی معصومین از جمله امیرمومنان (ع) روش و منش بلند نظرانه ای دیده می شود که حتی مخالفان جنگ های سه گانه ای که با آنان جنگیده است، کافر نمی خواند. امام باقر (ع) در این باب می فرمایند:

«اک علیاً لم یکن ینسب احداً من اهل حربه الی الشکرک و لا الی النفاق و لکنه کان یقول هم اخواننا بغوا علینا»: علی (ع) هیچ یک از افرادی را که با او جنگیدند، به شرک و نفاق متهم نکرد و آنان را تکفیر نکرد. بلکه می گفت آنان برادران ما هستند که به ما ستم کردند (حر عاملی، ۱۳۹۹: ۸۳/۱۵)

#### ۳-۲- تصور گناه پنداری عملی خاص

خوارج در تعاملات، تاثیر رفتارها بر اعتقادات از جمله بازتاب معصیت بر اعتقادات، بر «تصور بروز معصیت» بر اعتقادات و نه خود «معصیت آشکار» اصرار می کردند، تکفیری ها نیز اینگونه اند، این شباهت دیگری است که در رفتار خوارج گذشته و تکفیری های امروزی مشاهده می شود. نکته جالب آن است که خوارج و خوارجیون، دیگر مسلمانان را نه به دلیل ارتکاب یک معصیت قطعی نظیر دروغ و شرب خمر از دایره ی ایمان و اسلام خارج می دانند، به دلیل یک «معصیت خیالی» یعنی گناه بودن زیارت قبور پیامبر (ص) و ائمه ی اطهار و یا گناه بودن نفس حکمیت، تکفیر کرده و می کنند.

### ۳-۳- نگرش ساده ی خوارج و تکفیری ها

خوارج همه چیز را بین صفر یا یک می بینند به این یا آن قائل اند و نگرشی ساده و بسیط دارند. (برزگر، ۱۳۸۸، ص ۲۹۴). بنابراین قائلند که «یا با ما یا علیه ما» می باشید. به این یا آن قائل می باشند. اعتقاد به کافر بودن اهل معصیت نیز در جای خود موید همین نکته است: یا مومن یا کافر؛ در حالی که می توان به چیزی میان آن دو یعنی «فاسق» یعنی مومن گناهکار هم قائل شوند. منطق فازی یا نگرش پیچیده به خوبی این مسئله را توضیح می دهند. تکفیری ها نیز اینگونه اند و دارای نگرشی ساده در تحلیل پدیده های سیاسی و اشخاص اند.

### ۳-۴- ظاهرگرایی خوارج و تکفیری ها

خوارج نمی توانستند به باطن و معنای الفاظ راه یابند و به ظاهر الفاظ متون مقدس استناد می کردند. امام علی (ع) به همین دلیل مطلب را اینگونه تئوریزه می کرد که پیامبر (ص) با دشمنان بر سر «تنزیل قرآن»، ولی من با دشمنان بر سر «تاویل قرآن» می جنگم. تاویل گرایی از اینکه هر دو سوی جبهه به آیات قرآن استناد می جستند. هر یک معنای دریافتی خود را حجت و برتر می دانست و کار به جایی نمی رسید. به همین جهت نکته ی جالب در برخورد امام علی (ع) با خوارج آن است که به طور کلی از مباحثه با آنان با تمسک به قرآن خودداری می ورزید و آنان را بی ثمر می دانست و به جای آن، با سیره و عملکرد رسول خدا (ص) محاجه می کرد که قابل تاویل نبود و برای سطحی اندیشانی چون خوارج مجالی برای لفاظی باقی نمی گذاشت. امام خطاب به خوارج می فرماید:

«شما می دانید که رسول خدا (ص) مرد زناکار دارای همسر را سنگسار کرد ولی بر جنازه اش نماز خواند و اهلش از او ارث بردند. قاتل را کشت و اهلش اموالش را به ارث بردند و دست سارق را برید و زناکار بی همسر تازیانه زد، ولی سهم آنان را از بیت المال پرداخت و آنان با زنان مسلمان ازدواج کردند. رسول خدا (ص) آنان را به سبب گناهشان مواخذه کرد و حکم خدا را در مورد آنان بر پا داشت، ولی سهمی را که از مسلمان داشتند، از آنان باز نگرفت و اسمشان را از زمره اهل اسلام خارج نکرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷). تکفیری های امروزی نیز به همین ترتیب ظاهرگرا و سطحی اندیش می باشند.

### ۳-۵- حق پنداری و فرقه ی ناجیه دانستن خود

خوارج خود را مصداق «فرقه ی ناجیه» و نجات یافته در روایت منسوب به پیامبر (ص) می دانستند «امت بعد از من هفتاد و دو (یا سه) فرقه می شوند و فقط یک فرقه اهل نجات اند.» خوارج خود را حق و اهل نجات و غیر خود را مشرک و کافر و بنابراین دیگران را تکفیر می کردند. خوارج خود را مصداق حق می دانستند و حق را هم یکی و آن یکی هم خود و غیر خود را باطل یا باطل های متعدد می دانستند.

تکفیری ها هم مانند آنها تصور بر حق بودن و فرقه ی ناجیه بودن را دارند و بر مبنای چنین تصویری حرکت می کنند. چنین پیش فرضی امکان تکفیر دیگر مسلمانان را فراهم می کند.

### ۶-۳-آسان گیری در «قضاوت» و ارزیابی شتاب زده ی اعتقادات دیگران

یکی دیگر از ویژگی اعتقادی خوارج، آسان گیری در قضاوت درباره ی دیگران آن هم در خصوص اعتقادات آنان است. در حالی که اعتقادات دیگران امری باطنی و نامشهود است. آسان گیری در قضاوت آن هم در مسائلی حساس چون «جان افراد»، «ناموس مردم»، «ایمان اشخاص» و «املاک و دارایی ها» و آبروی مسلمانان به نحوی است که آنان را در جهان اسلام یگانه می سازد. در حالی که در اسلام تاکیدات بسیاری در مورد حساسیت در این امور شده است و در اجرای حدود، با کمترین شک و تردید و شبهه، موضوع منتفی می شود. تکفیری های امروزی نظیر خوارج، کوتاهی و آسان گیری در قضاوت دارند.

### ۷-۳- اعتقاد غلیظ شده به اصل جهاد و امر به معروف و نهی از منکر

جهاد و امر به معروف و نهی از منکر از فروع الدین است و در حوزه ی فقه و رفتار قرار می گیرد؛ اما این دو اصل آن چنان در اندیشه و عمل سیاسی خوارج تغلیظ و برجسته می شود که گویی از منزلت رفتاری و فقهی به منزلت اعتقادی ارتقاء یافته اند. این دو اصل اصولاً دو اصل هویت بخش خوارج هستند و وجوه تمایز آنان را از غیر تشکیل می دهند. خوارج در گذشته به طور علی الدوام در جهاد با امام علی (ع) یا معاویه و امویان و یا عباسیان و غیر آن بوده اند. تکفیری های امروز نیز اسلام را مساوی جهاد می دانند و بنابراین به طور مستمر درگیر آند. در جهاد علیه شوروی، در جهاد علیه آمریکا یا جهاد علیه شیعیان و علویان در سوریه و عراق.

### ۸-۳- ضعف بینش سیاسی و بصیرت و تحجر

خوارج تا آنجا که به رکن اعتقادات مربوط می شود، دارای ضعف بصیرت هستند. آنان دچار جمود فکری اند. در ظواهر و زمان توقف کرده اند. ضعف شناختی موجب اختلال رفتاری آنان شده است. آنان ضعف تجزیه و تحلیل سیاسی دارند. این امر تا آنجا بود که نمی توانست قدرت انگیزه اخلاقی حق جویی آنان را جبران کند. این ضعف باعث می شود که آنان نتوانند صاحب حق واقعی و اصحاب صراط مستقیم را در صحنه ی سیاست عملی شناسایی کنند و حتی در مقابل امام علی (ع) ایستاده اند. تکفیری های امروزی نیز ضعف بینشی، شناختی و بصیرتی دارند و در عمل در زمین دشمنان اسلام یعنی به نفع صهیونیست ها و آمریکا بازی می کنند.

### ۴- شباهت های خُلقی و اخلاقی و گرایشی

#### ۱-۴- انگیزه حق طلبانه و پیمودن راه باطل در عمل

یکی از نقاط قوت خوارج، انگیزه ی حق جویی آنان است. آنان به بیان امام علی (ع) دنبال حق می باشند؛ اما در مصداق یابی آن دچار اشتباه شده اند و به باطل گرویده اند و این نکته آنان را از کسانی چون معاویه- که از اساس باطل اند و دنبال باطل می روند- متمایز می سازد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

امام علی (ع) می فرماید: «لا تقتلوا الخوارج بعدی فلیس من طلب الحق فاخطاه کمن طلب الباطل فادرکه»: پس از من، خوارج را به قتل نرسانید؛ زیرا آنکه طالب حق باشد، اما راه خطا بپیماید همانند آن کسی نیست که باطل را طلب کند و آن را بیابد (نهج البلاغه، خطبه ۶۱).

یکی از فرضیه‌هایی که شواهد و مویدات قوی بر آن وجود دارد؛ آن است که دو سطح تحلیل در مورد رفتارشناسی خوارج و تکفیری‌ها در نظر بگیریم.

#### ۴-۱-۱- رهبران

خوارج و تکفیری‌ها، افراد مغرض و بازیگری هستند که از افکار ساده دلانه و عواطف دینی مردم به صورت ابزاری استفاده می‌کنند. مانند اشعث بن قیس در جریان خوارج اولیه در دوره ی امام علی (ع).

#### ۴-۱-۲- در بین پیروان آنها؛

افراد بی غرض و ساده دل، اما تند مزاج قرار دارند، که این به مشکل بینشی آن‌ها بر می‌گردد؛ یعنی در تشخیص مصداق حق و باطل دشواری دارند.

هنگام پیروزی قریب الوقوع امام بر معاویه، بحث «حکمت» از سوی رقیب مطرح می‌شود. امام نمی‌پذیرد؛ اما با پافشاری شدید، سرانجام برخلاف میل باطنی خود آن را می‌پذیرد. معما از اینجا آغاز می‌شود که چگونه همین جمعیت که مصرانه پذیرش حکمت را از امام مطالبه می‌کردند؛ در فاصله ی کوتاهی پذیرش همان حکمت را کفر تلقی می‌کردند و قائلند که حتی امام علی (ع) نیز کافر است مگر آنکه از گناه پذیرش حکمت توبه کند؟! (مطهری، ۱۳۸۴: ۸۹).

«ولهاوزن» از برونوف این فرضیه را نقل می‌کند که آنان که پذیرش حکمت را به امام علی (ع) تحمیل کردند؛ غیر از کسانی بودند که بعدها آن را محکوم کردند. «برنوف» گروه اول را قراء و گروه دوم را بدویان می‌داند. (ولهاوزن، ۱۳۷۵: ۴۸) اما «ابراهیم حسن» آن را رمز آلود می‌داند و بنای ظهور خوارج را بر مقدماتی می‌داند که به خوبی واضح نیست.

فرضیه ی دیگر همان تفکیک دو سطح تحلیل رهبران و سران و گردانندگان که خائن و با معاویه هم دست بودند و در واقع قول امام علی (ع) که خوارج طالب حق اند؛ اما در تشخیص دچار خطا شده اند و به راه باطل گرویده اند، در مورد رهبران صادق نیست، بلکه در سطح تحلیل پیروان فقط صادق است.

همین تفکیک میان رهبران بازیگر و پیروان بازی خورده در خصوص تکفیری‌های امروزی هم صادق است. همکاری گفته شده بغدادی با موساد و سیا و اقداماتی که وی در جهت تامین منافع آنان انجام می‌دهد، شواهدی در این راستا می‌تواند قلمداد شود.

#### ۴-۲- روحیه ی مبارزه گر و فداکارانه و استقبال از مرگ

خوارج در راه اهداف خود، نهایت جان فشانی و فداکاری را انجام می‌دادند و به راحتی از مرگ در این راه استقبال می‌کردند. این آمادگی برای مرگ، پرداخت هزینه ی حداکثری برای اهداف مبهم، از قدرت تخریبی بالای آنان خبر می‌دهد. همین ریسک پذیری و خطر پذیری در رفتار تکفیری‌ها مشاهده می‌شود. شاهد مثال آن، تعداد بی شمار عملیات انتحاری آنان علیه مسلمانان و شیعیان است. (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

### ۳-۴- نداشتن مدارای مذهبی با مسلمانان و مدارای حداکثری دینی با غیر مسلمانان

از نکات عجیب و شگفت آور خوارج در گذشته و تکفیری های امروزی عدم تساهل و مدارای آنان با مسلمانان (از جمله شیعیان) و در همان زمان، مدارای حداکثری با غیر مسلمانان است. این نکته از سمت گیری عاطفی و گرایشی آنان خبر می دهد و اینکه چگونه در این ذخیره سازی عاطفی جای اصل و فرع را نمی توانند دقیق در کانون توجه قرار دهند. در یک روز و ساعت آنان با یک مسلمان برجسته و یک مسیحی برخورد می کنند. «عبدالله بن خباب» را بدان جهت که علی (ع) را مشرک ندانسته بود، کشتند و با این حال حاضر نشدند از یک مسیحی خرمای رایگان بگیرند!

داستان آن، چنانکه در «کتاب الکامل میرد» آمده، چنین است:

«یکی از خبرهای کم نظیر و شگفت انگیز آنان این است که روزی به فردی مسلمان و فردی مسیحی برخوردند؛ پس فرد مسلمان را کشتند و مسیحی را به نیکی توصیه کردند و به او گفتند که عهد و پیمان پیامبر خود را حفظ کن! عبدالله بن خباب در حالی با آنان رو به رو شد که قرآن در گردن داشت و همسر باردارش نیز به همراه وی بود. به او گفتند آنچه در گردن توست به ما فرمان می دهد که تو را بکشیم...؛ سپس پرسیدند نظرت درباره ی ابوبکر و عمر چیست؟ او از آنان به نیکی یاد کرد. عقیده اش را درباره ی علی (ع) پیش از ماجرای حکمیت و درباره ی عثمان در مدت شش سال، یعنی سال های آغازین خلافتش سوال کردند، باز هم به خوبی یاد کرد. پرسیدند درباره ی حکمیت چه می گویی؟ گفت: من معتقدم که علی (ع) از شما به قرآن آگاه تر و در حفظ دینش از شما استوارتر و در بینش از شما تیزبین تر است. گفتند تو به دنبال عناوین و القاب اشخاص حرکت نمی کنی؛ سپس او را به کنار ساحل برده و سرش را بریدند و با مردی مسیحی در مورد خرید درخت خرمایش گفت و گو کردند. او به آنان گفت: این «نخل» از آن شما باشد. در پاسخ بیان داشتند: سوگند به خدا که ما آن را جز در ازای «پرداخت وجه» نخواهیم قبول کرد. مرد مسیحی گفت: این عجیب و شگفت آور است که شخصی مانند عبدالله بن خباب را میکشید، ولی از ما درخت خرمایی را نمی پذیری! (میرد، ۱۹۸۹م: ۱۱۶/۲)

تکفیری های امروزی نیز در همان حال که مسلمانان معترف و اقرار کننده به شهادتین را می کشند و حتی جگر آنان را در آورده و می خورند و آنان را هدف عملیات انتحاری قرار می دهند و یا به طور مستمر به طور دسته جمعی به قتل می رسانند، در همان حال با غیر مسلمانان حداکثر مدارا را دارند و خبرنگاران مسیحی و صهیونیستی را در جبهه ها با خود همراه می برند. در جنگ غزه هیچ حمایتی حتی لفظی از فلسطینی ها نکردند.

### ۵- شباهت های رفتاری

#### ۱-۵- عمل گرایی و عمل زدگی خوارج و تکفیری ها

یکی دیگر از شباهت های آنان عمل گرایی آنان است. دست و پا و بازوی آنان جلوتر از خط عقیدتی و فکری شان در حرکت است. «عمل» جلوتر از تئوری است. گویی اول حرکت می کنند. بعد فکر می کنند. به همین دلیل جناح ایدئولوگ از جناح سیاسی و نظامی چندان متمایز نبود. رهبران سیاسی-نظامی اغلب نقش اصلی را داشتند و آنان فقها و علما و نظریه پردازان خوارج نیز محسوب می شوند. (مفتخری، ۲۱۳: ۱۳۷۹).

این عمل گرایی ناشی از تاثیر این اعتقاد بود که «ایمان بدون عمل» مردود است ایمان باید در عمل تجلی کند (تاج زاده، ۱۲۳: ۱۳۸۲). تقدم عمل بر اندیشه ی خوارج را می توان از اهتمام آنان به اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل جهاد و نیز نفی تقیه دریافت.



اهتمام به عمل موجب می شد که در میان آنان نظریه پردازان برجسته ای ظهور نکند، اصولاً آنان چندان اهل نظریه پردازی نبودند. همین نکته در مورد تکفیری های امروزی نیز صدق می کند. حتی «حسنین هیکل» نیز بدان توجه می کند و بیان می دارد که آنان نوشته های مدونی ندارند. ( کدیور، ۱۳۷۳: ۲۷۹).

#### ۲-۵- پای بندی ظاهری و شخصی به احکام شرعی و تظاهرات دینی (درونی سازی)

مظاهر دین گرایی در خوارج جدی است. در میان آنان حافظان قرآن بسیار فراوان و بر پیشانی آنان آثار سجده است. نماز شب خوان و بسیار ملتزم به ظواهر شریعت بوده اند. تکفیری های امروزی نیز به ظاهر مسلمانان متشرعی هستند؛ اما هماهنگی و هارمونی مناسبی بین اجزای اعتقادی، اخلاقی و رفتاری آنان مشاهده نمی شود. (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۳۳)

#### ۳-۵- شعارهای جذاب

یکی دیگر از رفتارهای خوارج شعارهای جذاب آن هاست مانند « لا حکم الا لله » برائت جویی از مشرکان و کافران و هواداری از ایمان راستین است. امام علی (ع) در واکنش به شعار «لا حکم الا لله» می فرماید « کلمه الحق یراد بهالباطل » انتخاب نام «شراه» به معنای «فروشدگان» ملهم از آیه شریفه ی « ان الله اشتری من المومنین باموالهم و انفسهم بان لهم الجنة » (توبه: ۱۱۱) از همین باب است.

تکفیری ها نیز همین تمسک به شعارها و الفاظ قشنگ را در دستور کار قرار می دهند و برخی از مردم هم فریب شعائر و داعیه های جذاب آنان را می خورند. شعار احیای خلافت از سوی داعش نیز از این دست است.

#### ۴-۵- چند ملیتی شدن خوارج و تکفیری ها

جریان خوارج که از جنگ صفین شروع شدند، بعدها با گسترش قلمرو اسلام به خارج از شبه جزیره رفتند، خوارجی که در شبه جزیره ی عربستان توسط امویان یا عباسیان سرکوب می شدند، به ناچار به سمت خارج از شبه جزیره، یعنی ایران و یمن و جز آن مهاجرت کردند. به دلایل گوناگون از جمله بی عدالتی های حکومت اموی یا عباسی، برخی از ایرانیان و یمنی ها نیز جهت مبارزه با دولت مرکزی، با خوارج همراهی کردند و در واقع خوارج همراهانی از میان غیرعرب یافتند (زرین کوب، ۱۳۶۵، ص ۱۰۴)، بنابراین با شعبه شعبه شدن خوارج و پراکنده شدن آنان در نقاط گوناگون امپراطوری اسلامی، آنان نیز پراکنده شدند. شاخه ارازقه در جنوب ایران؛ صفویه در شمال عراق؛ نجدیه دریمامه و عمان؛ اباضیه در یمن. به این ترتیب خوارج چند ملیتی می شود.

تکفیری های امروزی نیز ابتدا در جنگ افغانستان و اشغال شوروی؛ با پدیده ی هجرت اعراب کشورهای مختلف عربی و شکل گیری «اعراب افغانی»، چند ملیتی شدند. القاعده و جنگ سوریه نمونه هایی از چند ملیتی شدن تکفیری ها می باشد. حضور اتباع حدود هشتاد کشور در سوریه نمونه ای از این پدیده است.

### ۵-۵- رهبری در دست اعراب افراطی

با وجود چند ملیتی شدن خوارج در گذشته و تکفیری های امروزی، رهبری همچنان در دست اعراب است. عرب ها همواره دست بالا را در تدوین استراتژی و جهت گیری های آن ها داشته اند. به طور مثال اتباع کشور های گوناگون عربی، اروپایی، آمریکایی و روسی و آسیایی و آفریقایی بیش از هشتاد کشور در سوریه حضور دارند، با این همه؛ رهبری همه سازمان های تروریستی و تکفیری در دست اعراب است.

### ۵-۶- پیامدهای منفی اعمال آنان برای اسلام و مسلمین

خوارج و گروه های تکفیری، چون عمل آنان جلوتر از تفکر آنان است. هنگام عمل کردن، به نفس عمل می اندیشند و پیامدهای مترتب بر عمل را در تصمیم گیری دخالت نمی دهند. بنابراین در اکثر موارد عمل آنان به نفع دشمنان اسلام و مسلمانان می انجامد. عمل آنان در قالب خون ریزی فراوان و اعمال خشونت حداکثری موجب تنفر مسلمانان و غیر مسلمانان شده است و آنان چهره ی عبوسی از اسلام ارائه می کنند. مایه ی شرمساری مسلمانان از هم کیش بودن با آنان را فراهم کرده است.

### نتیجه گیری

در این نوشتار که تحت عنوان «تاثیر اعتقادات کلامی خوارج بر گروه های تکفیری معاصر» می باشد، به بررسی این فرضیه که نوعی شباهت در ارکان سه گانه اعتقادات، خلیقات و رفتارهای خوارج در گذشته و تکفیری های امروز مشاهده می شود، شده و این نتیجه حاصل شد که:

تکفیر در عصر کنونی به دو دسته تکفیر رسمی و تکفیر غیر رسمی تقسیم می شود، تکفیر رسمی آن است که از سوی یک حکومت به رسمیت شناخته شده در جهان اسلام علیه شخص یا بخشی از جامعه اسلامی ادعا و اعلام کفر شود و تکفیر غیر رسمی آن است که این اعلام از سوی افراد یا گروه هایی غیر از حکومت رسمی باشد.

گروهی بر این باورند که گروه های تکفیری معاصر در جهان اسلام باز تولید اندیشه گری ناصبی و سلفی می باشد و در حوزه های آموزه های اعتقادی و اخلاق سیاسی و احکام و رفتار سیاسی، تاثیر گرفته از ناصبی گری و سلفی گری می باشد اما گروهی دیگر اعتقاد دارند که گروه های تکفیری معاصر جهان اسلام، ادامه همان خوارج عصر اسلام و قرون بعد می باشند و در واقع روح خوارج در این گروه ها متجلی شده و این گروه ها، نوخوارج هستند که در حوزه های اندیشه و آموزه های اعتقادی و کلامی و اعتقادات سیاسی، اخلاق سیاسی و احکام و رفتار سیاسی شاگرد مکتب خوارج صدر اسلام و قرون بعد می باشند که در این نوشتار همین باور اخیر مورد کنکاش و پژوهش قرار گرفت و اثبات گردید.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- ابن ابی العز الحنفی، (۲۰۰۵م)، شرح العقیده الطحاویه، بیروت، المکتب الاسلامی، الطبعة الرابعة.
- ۲- ابن الجوزی، جمال الدین (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، المحقق: محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۳- ابن قدامه المقدسی، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸). المغنی، القاہرہ: مکتبہ القاہرہ، القاہرہ.
- ۴- ابن منظور الافریقی، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ۵- ابن هشام، عبدالملک، (۱۳۸۵). سیره ابن هشام، بیروت: دار المعرفه.
- ۶- برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۲)، مجرای فهم تکفیری ها، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاسی، سال دوم، شماره ۷.
- ۷- تاج زاده، مصطفی، (۱۳۸۲)، سیاست محراب و خوارج، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- ۸- حر عاملی، (۱۳۹۹)، وسائل الشیعه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- خورمیزی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، گونه شناسی جریان تکفیر در جهان اسلام بر اساس خاستگاه سیاسی، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، ش ۱.
- ۱۰- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۵)، تاریخ مردم ایران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۱- زنگنه پیمان، حمیدی سمیه. (۱۳۹۵). بازکاوی روانشناختی کنش گروه های سلفی-تکفیری: مطالعه موردی داعش. فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، ۶(۳): ۱۴۴-۱۲۱.
- ۱۲- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
- ۱۳- علی یاری، حسن (۱۳۹۴). نقش کشورهای غربی در چگونگی شکل گیری اندیشه سلفی، مطالعات بیداری اسلامی سال چهارم، شماره ۷.
- ۱۴- فیرحی، داود (۱۳۹۲). همزادی با بحران: بررسی جریان فکری سلفی (مصاحبه)، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۹.
- ۱۵- کدیور، جمیله، (۱۳۷۳)، مصر از زاویه ای دیگر، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۶- مبرد، محمد بن یزید (۱۹۸۹م). الکامل فی اللغة و الادب، تحقیق: بیضون، تغاویه و زرزور، نعیم، لبنان-بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۱۷- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). جاذبه و دافعه علی، تهران: صدرا.
- ۱۸- مفتخری، حسین، (۱۳۷۹)، خوارج در ایران تا اواخر قرن سوم هجری، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۹- المسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دار الهجره.
- ۲۰- نجفی، محمد حسن (۱۳۹۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۱- نهج البلاغه، (۱۳۸۲)، ترجمه ی محمد دشتی، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین.
- ۲۲- ولهاوزن، یولیوس، (۱۳۷۵)، تاریخ سیاسی صدر اسلام: شیعه و خوارج، ترجمه ی محمود افتخارزاده، قم، دفتر نشر معارف اسلامی.